

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران، میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم

شترق

پنجشنبه ۱۱ مرداد ۱۴۰۳ • ۲۶ محرم ۱۴۴۶ • ۱ اگوست ۲۰۲۴ • سال بیست‌ویکم • شماره ۱۲۰۴۸۹۲ • صفحه

اذان ظهرتهران ۱۲:۱۱ • اذان مغرب ۱۹:۲۸ • اذان صبح فردا ۳:۲۷ • طلوع آفتاب ۵:۱۳

www.sharghdaily.com

aparat:tasvirshargh

Telegram:SharghDaily

youtube:sharghdaily

twitter:sharghdaily

instagram:sharghdaily1

امسال سال انتخابات است. در چهار ماه اول امسال، دور دوم انتخابات مجلس شورای اسلامی و انتخابات زودهنگام چهاردهمین دوره ریاست‌جمهوری در دو مرحله برگزار شد. این فرایند در دنیا نیز ادامه داشت و دارد و گفته شده در سال ۲۰۲۴ میلادی مردم بیش از ۷۰ کشور پای صندوق‌های رای خواهند رفت؛ مانند انتخابات زودهنگام پارلمانی فرانسه، انتخابات سراسری بریتانیا. چند روز قبل انتخابات پرچالش ریاست‌جمهوری در ونزولا و چند ماه دیگر انتخابات مهم ریاست‌جمهوری در آمریکا. نکته جالب، تلاش برای به‌قدرت‌رسیدن وکلای دادگستری به‌ویژه در دنیای غرب است؛ کی‌یر استارمر در بریتانیا نخست‌وزیر شد، با کنار رفتن جو بایدن، کامالا هریس نامزد حزب دموکرات شد و جی. دی. ونس، نامزد معاونت اول در انتخابات پیش‌روی ایالات متحده آمریکا خواهد بود. در تاریخ مدرن ایران نیز دو وکیل دادگستری به ریاست دولت رسیده‌اند؛ محمد مصدق پیش از انقلاب اسلامی و حسن روحانی در سال‌های اخیر. در ادامه مروری داریم بر پیشینه این افراد. نخست، کی‌یر استارمر: استارمر ۶۲ساله دارای تحصیلات کارشناسی حقوق در دانشگاه لیدز و دانش آموخته گرایش ارشد حقوق مدنی از دانشگاه آکسفورد است. او علاوه‌بر وکالت دادگستری، به شغل دادستانی نیز اشتغال داشته است. استارمر در کابینه‌سایه‌ی (مفهومی متفاوت از دولت سایه در کشور ما) جرمی کوربین در حزب کارگر، وزیر «برگزیت» (فرایند خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا که در همه‌پرسی ۲۰۱۶ میلادی توسط اکثریت مردم بریتانیا خواسته شد)، بوده است.

دوم، کامالا هریس؛ معاون اول رئیس‌جمهور و نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۲۴ در دو دانشگاه معتبر کالیفرنیا و هاروارد حقوق خوانده است. هریس ابتدا عضو کانون وکلای دادگستری کالیفرنیا، سپس دادستان ناحیه‌ای

وکلای سیاست‌مدار

روند جهان و چشم‌انداز ایران



ابراهیم ایوبی

وکیل دادگستری

وکیل دادگستری شد. جالب اینکه ونس سابقه سردبیری مجله حقوقی دانشگاه ییل را نیز در کارنامه دارد.

چهارم، محمد مصدق؛ ابتدا از مدرسه علوم سیاسی پاریس با لیسانس علوم مالیه دانش آموخته شد، سپس به سوئیس رفت و کارشناسی و دکترای حقوق گرفت. پایان‌نامه کارشناسی مصدق درباره مسئولیت دولت برای اعمال خلاف قانون مستخدمین و رساله دکترای او درباره وصیت در اسلام است. مصدق علاوه‌بر عضویت در کانون وکلای دادگستری مرکز، سال‌ها در دانشگاه تهران نیز تدریس می‌کرد. یکی از نخستین کتاب‌های فارسی در زمینه آیین دادرسی مدنی با عنوان «دستور در محاکم حقوقی» که به‌تازگی توسط شرکت سهامی انتشار بازنشر شده، به قلم محمد مصدق است. همچنین کتاب ارزشمند «اصول و قواعد و قوانین مالیه در ممالک خارج و ایران» همچنان منبع درس محقق مالیه به شمار



اهالی راس‌البیسه جنوبی‌ترین نقطه کشور عراق با شعار «من البحر الی النحر» یعنی از دریا تا محل شهادت امام حسین (ع)، حرکت پیاپدوری خود را آغاز می‌کنند. پیاپدوری از این منطقه بیش از ۲۰ روز زمان می‌برد. راس البیسه جنوبی‌ترین نقطه عراق و محل اتصال خشکی به خلیج فارس است. عکس: علی ایک، ایرنا

کلاسکو کالیدونیای اسکاتلند گذراند. سیدابراهیم ثابت‌قدم، هم‌کلاس و نایب‌رئیس کانون وکلای دادگستری مرکز، جریان دریافت پروانه وکالت توسط حسن روحانی را در جلد اول کتاب «تاریخ شفاهی وکالت در ایران» این‌گونه تعریف کرده است: «[حسن روحانی] گفت اگر من بخوام پروانه وکالت بگیرم، راهش چیست؟ گفتم تو کارمند دولت هستی و نمی‌توانی پروانه وکالت بگیری. گفت نه من کارمند دولت نیستم و عضو هیئت‌علمی هستم. گفتم پروانه را می‌خواهی چه کار؟ گفت من که کار نمی‌خواهم بکنم، ولسی فکر می‌کنم که داشتن آن بد نیست». طبق قوانین مربوط به وکالت، نمایندگان مجلس که دانشنامه کارشناسی حقوق را از قبل داشته‌اند، می‌توانند بدون هیچ تشریفاتی وکیل دادگستری شوند. گرچه روحانی در دوران هشت‌ساله اقدام مؤثری حتی در حد واردکردن هفتم اسفند، «روز وکیل‌مدافع» در تقویم رسمی کشور نکرد، اما از دانش و ارتباطات خود در زمینه حقوق برای پیشبرد مذاکرات پرونده هسته‌ای و موافقت‌نامه برجام بهره برد.

در اهمیت حقوق و حقوق‌دانان نباید زیاد اغراق کرد؛ تجربه نشان داده در عمل، ساختارهای حقیقی (اقتصاد و جامعه) بر ساختارهای حقوقی غلبه دارند. باین‌حال، بهره‌گیری از ظرفیت‌های قانونی و استفاده از وکلای دادگستری (به دلیل منع قضات و سردفتران اسناد رسمی به انجام مشاوره به دولت مردان و البته دولت زنان) که بسیاری از آنان چهره‌های علمی و دانشگاهی در ایران و جهان هستند، در پیشبرد برنامه‌های دولت و مهم‌تر، نوشتن برنامه‌های بعدی و اصلاح قوانین‌ومقررات موجود مؤثر خواهد بود. انتظار می‌رود مسعود پزشکیان نیز همراه با روندی که در جهان برای بهره‌گیری از وکلای دادگستری در اداره امور کشور شکل گرفته، از ظرفیت‌های فراوان کانون‌های وکلای دادگستری بهره ببرد.

یادداشت

در استقبال از دولت روادار



بهنام دارابی

مدیرعامل مؤسسه مدارا و توسعه‌گفت‌وگو

می‌درخشد؛ استوانه‌های ادبیات فارسی و فرهنگ ایرانی چنین گفته و سروده‌اند: «مدارا خرد را برادر بود/ خرد بر سر جان چو افسر بود» (فردوسی طوسی)، «با عامه که جان را خدای کوید/ ای پیر چه روی است جز مدارا؟» (ناصرخسرو قبادیانی)، «درونی که مهر آشکارا کند/ مدارا فزون از مدارا کنده» (نظامی گنجوی)، «مدارا کن تو با پیران مسکین/ بیخشا بر جوانان بدآیین» (عطار نیشابوری)، «وقتی به لطف گوی و مدارا و مردمی / باشد که در کمند قبول آوری دلی» (سعدی شیرازی)، «آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است/ با دوستان مروت با دشمنان مدارا» (حافظ شیرازی) و بسیاری دیگر.

به زبان ساده، مقصود از رواداری آن است که کفه پرقدرت‌تر جامعه (خواه به دلیل داشتن اکثریت نسبی یا قدرت سیاسی و اقتصادی)، درصدد تغییر کفه کم‌قدرت‌تر جامعه برنیاید و حقوق شهروندی آنان را محترم شمارد. نقطه‌مقابل این رواداری و همزیستی، نقض حقوق شهروندان در عرصه حکمرانی و گسترش‌یافتن سخنان و رفتارهای خشن، نفرت‌جویانه و چه‌بسا ارتکاب «جرم ناشی از نفرت» (Hate Crimes) در عرصه اجتماعی است. هر کشوری که دچار این بلاي خانمان‌سوز و تمدن‌سوز شود، راهی به سوی پیشرفت و آسایش نخواهد داشت (بنگرید به مقاله «جرائم ناشی از نفرت مذهبی» از نگارنده). از همه مهم‌تر در ساحت حکمرانی بنا بر آنچه تاریخ گواهی می‌دهد، طول عمر سلسله‌های فرمانروایی با میزان رواداری آنان رابطه معناداری داشته که خود به خوبی گواه ضرورت توجه به این اصل اصیل در مشی مدیریتی است. کشور ما در روزهای گذشته شاهد انتخاباتی بود که در آن، بیشتر مشارکت‌کنندگان به یکی از نامزدها اقبال نشان دادند که بیش و بیش از هر شعاری، به این آموزه ضروری پرداخت و کوشید آن را سرلوحه قرار دهد؛ تأکید بر شایسته‌سالاری از میان همه ایرانیان دارنده ادیان، مذاهب و اقوام مختلف از زن و مرد؛ همان رواداری است. یکی از مهم‌ترین راه‌های نیل به این ارزش نیز ایجاد «تبعیض مثبت» است؛ به این معنا که در صورت داشتن شایستگی یکسان بین چند نفر، فرصت را در اختیار آن کسی قرار داد که در گذشته از امتیازات و فرصت‌های کمتری برخوردار بوده است. در این روزها برای نخستین بار در شیوه انتخاب اعضای کابینه نیز شاهدیم چنین رویکردی اعلام شده است که درست و به‌جا به نظر می‌رسد و امید می‌رود با حاکم‌شدن این رویکرد بر اداره کشور، خون تازه‌ای

در رگ‌های کشور عزیزمان جاری شود و مسیر رسیدن به توسعه پایدار، رونق اقتصادی، گردشگری، مرادوات علمی و فرهنگی و شکوفایی همه‌جانبه بیش از پیش هموار شود.

فرهنگ ایرانی اسلامی ما، چه پیش از اسلام و چه پس از آن، نشان درخشانی از آموزه‌های روادارانه بر تارک خود دارد؛ تالی‌هایی که می‌توان مدعی شد رمز ماندگاری این مردم، آن فرهنگ رواداری‌خواهی و مداراجویی بوده که چه بسیار مهاجمان را نیز تغییر داده است. در

نقش‌های باستانی ایران کمتر کتیبه‌ای یافت می‌شود که کن تو با پیران مسکین/ بیخشا بر جوانان بدآیین» (عطار نه به‌عنوان ارزش که به‌عنوان شری اجتناب‌ناپذیر از آن یاد شده است. در سنگ‌نوشته‌های بازمانده از دوران باستان که به تعبیر خانم هایدماری کخ به معجزه می‌ماند، بر همسان‌بودن همه شهروندان در این کشور پهناور تأکید شده است (بنگرید به نقش‌برجسته‌های تخت جمشید، نقش رستم و بیستون که همه اقوام را دوشادوش نام هم برده و به تصویر کشیده‌اند).

ایران در چهارراه تمدن‌ها و محل گذر و گذار ادیان شرقی و ابراهیمی و ایرانیان، دیرآشنا با بسیاری از آنان بوده و هستند و در تکوین و گسترش آنها نقش داشته‌اند (بنگرید به «بودا در ایران» نوشته پروفوسور سیدحسن امین و «اصحاب ایرانی رسول‌الله» نوشته مولوی عبدالرشید تریز). همچنین عدم رواداری زشت به شمار می‌رفته و مورد اعتراض قرار می‌گرفته است (بنگرید به «نامه تسر به گشنسب» به تصحیح مجتبی مینوی). پس از اسلام نیز این شیوه نه‌تنها ترک نشد بلکه پایه‌های استواری از سوی دیانت اسلام یافت. حضرت محمد مصطفی(ص) فرموده است: «عَلَىٰ بمداراه الناس كما یحب علی إمامه الفرائض» (همان‌گونه که اقامه واجبات بر من لازم گردیده است، مدارای با مردم نیز بر من امر شده). سیره گزارش‌شده از اهل بیت ایشان نیز چیزی جزاین نیست (بنگرید به گفت‌وگوهای امام رضاع) با رهبران ادیان در «الاحتجاج» طبرسی).

تجربه قرن‌ها هم‌زیستی بیروان ادیان و مذاهب در ایران با حفظ دیانت، زبان و فرهنگ خود، شاهد دیگری بر رواداری ایرانیان است (برای نمونه بنگرید به فرمان‌هایی به نفع ارمنه ایران، موجود در کنجینه موزه کلیسای وانک و کتاب «شازده حمام؛ خاطرات محمدحسین پاپلی‌یزدی»). نمی‌گوییم این کشور شاهد صحنه‌هایی خلاف این فرهنگ نبوده است، اما هرچه بوده، هیچ‌گاه از آن به‌عنوان ارزش یاد نشده، بلکه به دیده عبرت به آن صحنه‌های سیاه نگریسته شده است (بنگرید به اشعار کمال اسماعیل در نفی نزاع شافعی و حنفی در اصفهان).

زبان فارسی نیز به‌عنوان زبان مادری نخست یا دوم ایرانیان و زبان میانجی همه آنان در گستره تاریخی و جغرافیایی، زبانی روادار به شمار می‌رود که عدم تفاوت ضمیرهای زنانه و مردانه در آن شاهده بر این مدعاست. در محتوای آن نیز رواداری در میراث زبان و ادبیات فارسی

شاهنامه‌خوانی

گشتاسب باز هم پیمان شکست^(۱)



مهدی افشار

شاهنامه‌پژوه

اسفندیار، پور گشتاسب، پس از ویران کردن رویین‌دژ از پای درآوردن ارجاسب با این آرزو به نزد پدر بازگشت که گشتاسب بر پیمان خود بماند و تاج و تخت بدو سپارد و در ایوانش روزی چند بماند و چون پدر را بر پیمان خویش ندید، آزرده‌خاطر به نزد او آمده، با آوایی غمین گفت:

«گویا فراموش کرده‌ای از چینبان چگونه گریخته بودی و چون مرا برای رهایی فراخواند چگونه زنجیرها بگسستم و با فرزندانم به یاری‌ات شتافته، بسیاری از آنان را بکشتم و اگر بخوام از هفت خان سخن بگویم، بازگویی آن رویدادها را پایانی نباشد و بسنده است بگویم پس از پیروزی بسر رویین‌دژ دست‌نایافتنی، همه گنجینه آن دژ را به درگاه تو آوردم و خود گفתי چون پیروز از رویین‌دژ بازگردی، تو را تاج و تخت سپارم که شایستگی آن را برای مردانگی‌ات دارا هستی. اکنون بازگشتم و تو را اندیشه به جای آوردن پیمان نیست، اکنون دیگر چه بهانه‌ای است؟».

همی گفستی از باز بینم تو را/ ز روشن‌روان برگزینم تو را

سپارم تو را افسر و تخت عاج/ که هستی به مردی سزوار تاج

بهانه کنون چیست، من بر چم‌ا/

پس از رنج پویان ز بهر کی‌ام

گشتاسب، فرزند را گفت: «مگر

سخن به راستی نتوان گفست، تو

بیش از این کرده‌ای که گفته‌ای و

آرزو می‌کنم کردگار جهان، یار و

نگهبان تو باشد. اکنون با یاری تو

در این گیتی برای خود دشمنی نه

در آشکارا و نه در نهان نمی‌بینم.

در گیتی تو همتایی نداری مگر

رستم، پور زال که از بی‌خرد مردمان

است که از سر خودبزرگ‌بینی در

پادشاهی بر زاولستان، بُست و غزنین

و کاولستان، سر به آسمان می‌ساید

و در برابر ما کهتری نمی‌کند و ما را

به هیچ شمرده است. می‌دانم در

برابر کاووس‌کی و کیخسرو بندگی

می‌کرد و در پیشاوری ما سروری، او

گشتاسب را به شاهی ننگرد و از ما

بیادی نکند، از تو می‌خواهم سوی

سیستان روی و تیغ برکشی و رستم را

به بند آورده، در پیشاوری من به زانو

بنشانی و همراه او، برادرش زواره و

فرزندش، فرامرز را نیز به بند کشیده،

بیآوری. آن‌گاه به دادار گیتی سوگند

که به تو تاج و تخت بسپارم و تو را

بر تخت شهریاری بنشانم.».

اسفندیار در پاسخ گفت: «ای

شهریار بزرگ، از آیین کهن دور

گشته‌ای، تو با چینبان جنگیدی و

اکنون آنان را بر خاک نشانده‌ای،

از آن مرد کهن چه می‌خواهی که

کاووس او را «شیرگیر» خواند، از

روزگار منوچهر تا کی قباد دل شاهان

پیوسته به خاندان نریمان شاد بوده

است و برای ایران‌زمین نکوکارتر

از او که بوده آن خداوند رخس را

تاج‌بخش امیده‌اند، آیین مردمی آن

است که از پدر فرمان نبرم.».

گشتاسب در پاسخ گفت: «ای

جوان شیردل، هر کس که از راه

یزدان روی گرداند، پیمان او همانند

باد در دشت خواهد بود، کاووس که

رستم را به نادرست شیرگیر خواند،

همان شاه نادرست‌کرداری است

که به یاری پرواز پرندگان بر آسمان

رفت و در ساری در آب افتاد و بخت

با او یار بود که از دریا تن رهانید و

شنیده‌ای که از هاماوران دیوزادی

بیاورد که روزگار سیاوش را تباه

گرداند و همه خاندان کاووس زیر و

زبر شد و کسی را که پیمان یزدان پاک

را زیر پا گذارد، در پیرامون او ناید و

نشاید گشت. اگر از من تخت و کلاه

می‌خواهی، راه سیستان در پیش

گیر و با خود سپاه را نیز ببر. چون

به سیستان رسیدی، دست رستم

ببند و بازو به کمند افکنده او را نزد

من آور تا در آینده آن خاندان، دامی

در برابر تو نباشند. اگر با او این‌گونه

رفتار کنی، دیگر کسی از فرمان ما سر

نخواهد بپچاند.».